

نقش موبدان در ماندگاری و حذف اندیشه منجی موعود از دین زرتشت

مهدی هنرجو^۱

چکیده

بحث منجی موعود و باور به آن، یکی از مقولاتی اساسی در دین اسلام شیعی هست. عده‌ای با توجه به این مقوله، خواسته‌اند این بحث را در دیگر نحله‌ها و فرقه‌ها و ادیان نیز تعمیم دهند. یکی از آن ادیان، دین زرتشتی است. متون زرتشتی اعم از متون گاهانی و اوستایی و پهلوی، بحث منجی را در خود دارد. منجی در ساختار دین زرتشتی «سوشیانت» نام گرفته است. این باورمندی به سوشیانت و منجی در زرتشت تا ابتدای قرن ۲۰ میلادی وجود داشت و یکی از دلایل تحمل مشکلات توسط جامعه زرتشتی بود؛ اما با وجود ادیانی مانند اسلام با چارچوبی جامع افراد و مانع اغیار و نیز وجود قیدهای غیر عملی درباره منجی در دین زرتشتی، موبدان دست به کار شدند و در این باورمندی، تغییراتی صورت دادند. نتیجه آن این شد که امروزه موبدان زرتشتی در ایران، مقوله‌ای به نام منجی را دیگر قبول ندارند و حتی نام منجی‌های خود را از متن نیایش تندرستی خود حذف نمودند.

کلیدواژه‌ها: زرتشت، منجی، سوشیانت، اوستا، گاتها، موبدان

۱. مهدی هنرجو، درس خارج حوزه علمیه، کارشناسی ارشد ادیان.

مقدمه

دین زرتشت، یکی از کهن‌ترین ادیان جهان به شمار می‌رود و اطلاعات موجود دربارهٔ این دین و پیامبر ادعایی‌اش، اختلاف و تشطط دارد. زمان و مکان تولد و زندگانی زرتشت هم‌چنان از مسائل پوشیده و بحث‌برانگیز است. مورخان و حتی خود زرتشتیان و موبدان آن‌ها هم در این امر دچار تردیدند و نتوانستند زمان دقیق و محلی را برای زرتشت مشخص کنند. با وجود این اختلافات انتساب متنی به زرتشت، دشوار است. چون زمانی که محل و تاریخ زندگانی زرتشت مشخص نیست، چگونه و چه متنی را می‌توان به او منتسب کرد تا بتواند دقیقاً سخن زرتشت قرار بگیرد.

در دین زرتشتی، هر وقت از معاد، سخن به میان می‌آید، نام سه منجی در کانون توجه است؛ اما آنچه در این مقاله بررسی می‌شود، بحث منجی موعود و سوشیانت در دین زرتشتی است. مقوله‌ای که گفته می‌شود در همه ادیان چنین باوری وجود دارد و از نقاط مشترک در همه دین‌ها است. آنچه در زیر مجموعه این مقوله آورده می‌شود، شامل متون گاهانی و اوستای متأخر و پهلوی (از کتاب‌های زرتشتیان) می‌باشد. همچنین عواملی که موجب نگرش به بحث منجی شده از دیگر بخش‌های این مقاله قرار گرفته است. هدف اصلی از نگارش این مقاله که موجب تمییز و برتری این نوشته بر دیگر نوشته‌های در همین باره است، بخشی با عنوان منجی در باور موبدان قرن بیستم است. در این بخش بیان می‌شود که موبدان ایران و خارج از ایران در مقوله منجی باوری دچار اختلاف شده‌اند. موبدان ایران کاملاً منکر منجی و سوشیانت در دین زرتشتی شده‌اند؛ اما در تفکر موبدان خارج از ایران، هم‌چنان باور به سه منجی وجود دارد.

منجی موعود در گاهان

متن گاهان به لحاظ ساختار زبانی متعلق به دوران بسیار کهن است و بدین جهت در زمره زبان‌های خاموش به شمار می‌رود و شیوه کلامی آن به دوران ناشناخته‌ای تعلق دارد. به سبب گستردگی دخل و تصرف زبان اوستایی نمی‌توان به راحتی از آن بهره‌مند شد؛ زیرا این زبان با کلمات اندک بر معانی فراوان، دلالت دارد. به گفته



بویس که یکی از معروف‌ترین زرتشت‌پژوهان است، یافته‌های جدید علمی در باب گاهان موجب گردید که هیچ‌یک از ترجمه‌ها را هم‌چنان نتوان معتبر دانست.^۱ واژه‌ای که در گاهان درباره منجی موعود به کار می‌رود، سوشیانت (فارسی میانه sosyans و فارسی نو سوشیانت، سوشیانس) از جمله مهم‌ترین اصطلاحات دینی زرتشتی است. اوستاشناسان در گاهان از واژه سوشیانت تعابیر و ترجمه‌های مختلفی کرده‌اند: بارتلمه و دوشن گیمن، آن را «منجی» معنا کرده و بر این عقیده‌اند که صورت مفرد آن به شخص زرتشت و صورت جمع آن به کسانی اشاره می‌کند که او را در نجات بخشی یاری می‌رسانند.^۲

معنایی که لومل برای واژه سوشیانت در نظر گرفته «یاری دهنده» هست.^۳ کلنز و پیرار، منظور از سوشیانت را در گاهان «مجری مراسم قربانی» می‌دانند.^۴ هومباخ که پیش از این مانند کلنز، سوشیانت را اصطلاحی آیینی و منظور از آن را «قربانی سالار»^۵ می‌دانست، نظر خود را تغییر می‌دهد و آن را یک اصطلاح اخلاقی و به معنای نیکوکاری می‌داند. وی به پیروی از نظر بارتلمه، بیان می‌دارد که منظور از آن، زرتشت و پیروان اوست که در راه نجات بخشی گام برمی‌دارند. هیتسه، بر این باور است که سوشیانت، در هر دو شمار مفرد و جمع، دارای معنای عام می‌باشد و به بزرگان دین اشاره می‌کند.^۶

سوشیانت در شکل مفرد، وصفی است که زرتشت بر خود اطلاق کرده است:

ای مزدا! کی خواهی دانست که تو به راستی بر چیزی که بیم آن مرا می‌ترساند، احاطه داری؟ همانا بگذار فرمان اندیشه نیک به من گفته شود. باشد که سوشیانت بداند که پاداشش چگونه خواهد بود.^۷

در جای دیگر، زرتشت خود را همانند سوشیانت معرفی می‌کند که عنایت اهورامزدا بر او موجب شد، تا او از راه راست بهره‌مند گردد:

سپس باشد که کی گشتاسب و پسر زرتشت سپیتمان و فروشتر خالصانه از آگاهی مزدا برای ستایش او و از پرستش او با گفتارها و

۱. بویس، چکیده تاریخ کیش زرتشت، ص ۹۶.

۲. جمعی از نویسندگان، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۳۶.

۳. راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، ص ۷۲.

۴. جمعی از نویسندگان، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۳۶.

۵. همان.

۶. همان.

۷. یسن ۴۸.

کردارهای اندیشه زرتشت، از این راه‌های راست بخشش پیروی کنید و
دثنای سوشیانت که اهورا آفرید.^۱

شکل جمع این واژه در گاهان، به معنایی وسیع‌تر به کار می‌رود و معرف یاران
وفادار و دوستان صدیق پیامبر است که او را در پیشرفت کار کشور یاری می‌کنند و
تمام اندیشه و رفتار آن‌ها بر اساس اشته استوار است:

ای مزدا! آنان سوشیانت‌های کشورها خواهند بود که با اندیشه
نیک از شناخت تو با کردارهای برگرفته از راستی آموزش تو
پیروی می‌کنند، زیرا آنان دفع کنندگان دیو خشم آفریده
شده‌اند.^۲ همچنین برای رهروانی بکار برده است که برای دست
یافتن و دریافت فردی که مزدا برای آفریدگان نیک خود مقرر
کرده است، می‌کوشند و بنا بر فرمان و وجدان آگاه خود گام
می‌نهند.^۳ سرانجام، سوشیانت‌ها راست اندیشانی‌اند که
هدف‌های آن‌ها با خود اهورا مزدا یکسان است و همگی برای
استواری جهان هستی می‌کوشند و از آموزه‌ها و فرموده‌های
هرمز پیروی می‌کنند.^۴

لومل معتقد است:

با توجه به این بند که زرتشت از سپیده نیک بختی و از اهورامزدا سوال
می‌کند که نجات دهندگان چه وقت می‌آیند، تا مردمی را از گمراهی
رهایی دهند، اشاره به این نکته دارد که خود زرتشت نیز، منجی موعود را
در سر می‌پروراند و دل در گرو آن داشته است.^۵

بنابراین، باید گفت که بندهای مذکور رهاندگانی را در نظر دارند که با پیام
خاص خواهند آمد، آنان از زرتشت پیروی می‌کنند و به آموزش‌های اهورامزدا گوش
فرا می‌دهند، با پیمودن راه راست رهبری مردم را به دست می‌گیرند، با دیو سیرتان
و درندگان مبارزه می‌کنند، نجات را برای کل گیتی به ارمغان می‌آورند، صلح و
آشتی در جامعه حکم‌فرما گردد و در پایان، به پاداش عمل خویش می‌رسند.

۱. یسن ۵۳، بند ۲.

۲. همان، بند ۱۲.

۳. همان، ۳۴، بند ۱۳.

۴. همان، ۴۶، بند ۳.

۵. بویس، تاریخ کیش زرتشت، ج ۱، ص ۳۲۶.

منجی موعود در اوستای متأخر

در اوستای متأخر واژه سوشیانت هم در قالب مفرد و هم جمع به کار رفته است؛ به ویژه در دویشت کهن فروردین و زامیاد یشت و نیز، در ویسپرد درباره سوشیانت بحث شده است.^۱

در اوستای متأخر، نام منجی‌ها، تنها در بند ۱۲۸ فروردین یشت با تعابیر مختلف ذکر شده است. واژه سوشیانت، به طور خاص بر سومین منجی اطلاق می‌گردید؛ اگرچه در برخی از موارد، برای آن دو نیز بکار رفته است.^۲

در روایت‌ها آمده است که زرتشت سه بار با همسر خویش به نام هووی نزدیکی می‌کند و هووی هر بار خود را در آب کیانسه می‌شوید و نطفه‌های زرتشت از طریق هووی وارد این آب می‌شود. ایزد نریوسنگ، نطفه‌ها را در اختیار می‌گیرد و نگهداری این نطفه‌ها ایزد بانوی اردوی سوره آناهیتا واگذار می‌کند. بر طبق بند ۱۴۲ از یشت سیزدهم در کتاب اوستا، ۹۹۹۹ فروشی مقدس مأمور نگهداری از نطفه‌ها می‌باشند. جای نگهداری نطفه‌ها، دریاچه کیانسه است که گویند: همچون سه چراغ در این دریاچه می‌درخشند.^۳

در اوستای متأخر، هرگاه واژه سوشیانت در شمار مفرد بکار رفته، تنها یک سوشیانت خاص مورد نظر بوده است و آن هم، منجی آخرالزمان است که فرود می‌آید.^۴

از خصوصیتی که می‌توان برای او ذکر کرد این‌که، دارای فر کیانی مزدا آفریده است.^۵ او شجاعانه و پهلوانانه با دروغ خواهد ستیزید و آن‌ها را شکست خواهد داد.^۶ ستایش بر آخرین آفریده هر مزدی - که پیام نجات و رهایی می‌باشد - که به همه جهان سود خواهد رسانید.^۷ در جای دیگر آمده است که جنگ دیرینه هرمز و اهریمن تا ظهور سوشیانت به درازا خواهد کشید.^۸

۱. تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۴۴.

۲. پورداوود، سئوشینت موعود مزدیسنا، ص ۷.

۳. آموزگار، تاریخ اساطیر ایران، ص ۸۴.

۴. یسن، ۲۶، بند ۱۰.

۵. زامیاد یشت، بند ۸۸ - ۹۰ (ترجمه به نقل از کتاب گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان).

۶. همان، بند ۹۳-۹۶.

۷. فروردین یشت، بند ۱۲۸ (ترجمه به نقل از کتاب گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان).

۸. پورداوود، یشت‌ها، جلد دوم، ص ۳۰۰.

اما واژه سوشیانس در صورت‌های جمع خود در اوستای متأخر بیان‌گر نقش آن‌ها در بازسازی جهان است که در پیش رو داریم. آن‌ها نقش نیروهای پاک و بی‌آلایشی را ایفا می‌کنند که در نگهداری و پایداری دین زرتشتی می‌کوشند و در کنار امشاسپندان همواره از آنان سخن به میان می‌آید.^۱ حتی در مواقعی کلیه ستایشگران و حامیان دین را سوشیانته‌ها می‌نامند.^۲

این سوشیانته‌ها در نقش نجات‌بخشانی ظاهر می‌شوند که، دقیقاً همان وظیفه‌ای را بر عهده دارند که زرتشت برای انجام دادن آن برانگیخته شد.^۳ با این مطلب روشن می‌شود که خود زرتشت نیز، یکی از همین سوشیانته‌هاست که ظهور کرده تا جهان را سر و سامان دهد. با مقایسه متن‌های گاهانی و اوستای متأخر، می‌توان به این نتیجه رسید که حالت جمع سوشیانته‌ها در اوستای متأخر تفاوتی با سوشیانته در گاهان ندارد.^۴

منجی در متون پهلوی

متون پهلوی، به تفصیل تمام به آموزه منجی موعود پرداخته است. اهمیت متون پهلوی در ضبط و بیان مطالبی است که از گذشتگان به صورت سنت شفاهی و سینه به سینه حفظ گردیده است. در میان متون پهلوی، دینکرد مشتمل بر نه کتاب است که کتاب‌های اول، دوم و نیمی از سوم از بین رفته و بقیه موجود است و زند بهمن یسن، بیشتر به آموزه منجی موعود پرداخته است.

آنچه در متون اوستایی در باب منجی آمده است، فقط بیانگر شخصیت و جایگاه آنان به صورت کلی است، ولی در این متون نه تنها به معرفی سه منجی موعود پرداخته است، بلکه از حوادثی که در آن روزگار به وقوع می‌پیوندد علائمی که بر ظهور آنان دلالت می‌کند و نیز، در این باره که حدوداً در چه مقطع زمانی و مکانی می‌آیند، سخن گفته است.

فرقی که آموزه منجی در متون پهلوی زرتشتیان با متون اوستایی و گاهانی دارد این‌که، ساخت آموزه منجی موعود در متون پهلوی در چارچوب هزاره گرای است. این تحول ناشی از گسترش آیین زرتشت به مغرب زمین و تأثیر مکتب زروانیسم بر

۱. یسن ۱۳، بند ۳.

۲. یسن ۱۴، ویسپرد، کرده ۵ بند ۱، کرده ۱۱ بند ۲۰.

۳. بهار، پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۸۱؛ یسن ۹، بند ۳.

۴. رضایی باغ بیدی، سوشیانته در اوستا، ص ۱۰۷.

تفکر زرتشتی در دوره ساسانی است که موجب شد آموزه منجی در متون پهلوی، در چارچوب هزاره گرایی مطرح گردد. اگر چه متون زرتشتی در تعداد هزاره‌ها هم نظر نیستند. برخی دوران جهان را نه هزار سال و در بعضی از کتاب‌ها، همانند بدهشن، از دوازده هزار سال سخن به میان رفته است. در پایان سه هزاره سوم و آغاز سه هزاره چهارم، دوره بازسازی و به کمال رساندن جهان اتفاق می‌افتد، زرتشت ظهور می‌کند و بعدها در رأس هر هزاره فردی از نسل و نطفه او خواهد آمد.^۱

برخلاف آموزه‌های گاهان که سوشیانت و رهایی انسان را مطرح می‌کند، و اوستای نو که اسامی سه منجی را با ذکر ویژگی‌هایی نام می‌برد، در متون پهلوی از سه منجی در سه هزاره خاص، همراه با حوادثی که در همان زمان و بعد از آن رخ می‌دهد، سخن گفته است. بنابر گفته مری بویس، معرفی منجیان در هزاره‌ها ناشی از برخورداری آرای زرتشت با تفکر زروانی گرایی بوده که متکلمان زرتشتی را واداشته، تا در صدد تطبیق و تکمیل این آموزه با تفکر زروانی برآیند. با توجه هزاره انگاری جهان هستی در تفکر زروانی که سه هزار سال را برای عالم هستی در نظر گرفته بودند پنداشته می‌شد که هر یک از این سه هزاره‌ها، از زمان ظهور زرتشت به بعد، با بشارت مسیح یا منجی موعود آغاز شده است، یا خود زرتشت و یا یکی از پسرانش در هر یک هزاره‌ها، تحولی همانند آن را تکرار می‌کنند. در زمانی که ظهور هر یک از این موعودها صورت می‌گرفت، ما بین هر یک از این هزاره‌ها توأم با سعادت و خردمندی و نزول تدریجی نادانی و سیاه روزی بر مردم و عالم هستی بود، تا این که از نو موعود و نجات دهنده‌ای ظهور کند و گیتی را رهایی بخشد. این الگوی تکرار رویدادها در هر هزاره در زمان درزا شهریار، ظاهراً روایت ایرانی فرضیه تکرار رویدادها در دور سال کبیر است.^۲

سه منجی که در واقع تجسم اشته می‌باشند، به طور معجزه‌آسا از نطفه زرتشت که ۹۹۹۹ فروهر در دریاچه هامون از آن‌ها نگهداری می‌کنند، هر کدام از باکره‌ای متولد می‌شوند.^۳ با تولد نخستین سوشیانت که هوشیدر نام دارد، خورشید ده روز در وسط آسمان می‌ماند. با تولد دومین منجی که هوشیدر ماه باشد، بیست روز و با تولد

۱. آموزگار، تاریخ اساطیر ایران، ص ۳۳-۳۴.

۲. ر.ک بویس، تاریخ کیش زرتشت، ج ۲، ص ۳۴۹.

۳. زامیاد یشت، بند ۹۴.

سومین آن‌ها که سوشیانت باشد، سی روز در وسط آسمان خواهد ماند و غروب نخواهد کرد.^۱

بنابر روایتی پانزده مرد و پانزده زن از جاودانه‌هایند که به یاری سوشیانت می‌شتابند و از این بین، سی مرد و پانزده زن دیگر که نام آن‌ها در فهرست بندهشن ذکر نشده است.^۲

هر کدام از این سه منجی، در پایان هر یک از هزاره‌های سه هزار سال آخر، ظهور می‌کند. باید توجه داشت دو منجی اول، زمینه را برای منجی سوم فراهم می‌آورند. از این‌رو آنان را نمی‌توان منجی موعود در معنی اخص آن، یعنی منجی پایان عالم تلقی کرد، ولی از آن جهت که برای مدتی مردم را از رنج و اندوه نجات می‌دهند، در زمره منجیان موعوداند. نخستین منجی پس از به دنیا آمدن و بعد از آن که به سی سالگی رسید، به مقام دیدار با اهورامزدا و امشاسپندان می‌رسد.^۳

در زمان ظهور او، باران فراوان می‌بارد؛ از جمله اعجازهای این منجی، آن‌که خورشید ده روز در آسمان می‌ایستد. بار دیگر اوشیدر آموزه‌هایی را از اهورامزدا فرا می‌گیرد. به واسطه تعالیم و مجاهدات این منجی، جهان برای مدتی از زشتی‌ها پاک می‌گردد، افراط و تفریط از بین می‌رود.^۴ آدمیان به کار نیک روی می‌آورند، حسادت و کینه توزی رخت برمی‌بندد، طبیعت مدتی خرم سر برمی‌آورد.^۵ جمعیت متدینان و پرهیزکاران به دو سوم می‌رسد، یعنی هنگامی که پنج سده از آن بگذرد، دو سوم مردم ایرانشهر پرهیزگار می‌شوند و یک سوم آنان به دروغ روی می‌آورند، زیرا در زمان اولین منجی، غلبه راستی چندان دوام ندارد، زیرا اهریمن و نیروهای او باز چیره می‌شوند و ویرانگری به بار می‌آورند.^۶

سی سال به پایان این هزاره مانده است که هوشیدرماه متولد می‌گردد. وی در سی سالگی به حدی از کمال و اخلاص می‌رسد که توان هم صحبتی با اهورامزدا را پیدا می‌کند و با امشاسپندان که فرمان‌روایان خوب و آفریدگان نیکی هستند، هم سخن می‌شود.^۷ او موجب رهایی مردم از نیروهای اهریمنی می‌گردد. در عصر وی،

۱. راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، ص ۴۹.

۲. آموزگار، تاریخ اساطیر ایران، ص ۵۴.

۳. جمعی از نویسندگان، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۴۹.

۴. راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، ص ۲۷.

۵. همان، ص ۲۸.

۶. دینکرد، کتاب ۷، فصل ۸، بند ۱۳.

۷. همان، فصل ۸، بند ۲۳.

انسان‌ها در صلح، صفا و معنویت به سر می‌برند، اخلاق صحیح در میان مردم رواج می‌یابد، آن‌ها نسبت به هم مهربان می‌شوند و برکت فزونی می‌یابد و گرسنگی از بین می‌برد.^۱ ولی این دوران به مانند دوران اولین منجی، چندان پایدار نیست. عالم در این دوره توسط ضحاک که در کوه دماوند بر بند بود، دوباره به تباهی کشیده می‌شود.^۲

در سی سال آخر هزاره اوشیدرماه، از دختر پانزده ساله باکره‌ای به نام گواگ پد که از نسل زرتشت است، مردی متولد می‌شود. این دختر با نشستن در دریاچه کیانسه که نطفه‌های زرتشت در آن نگهداری می‌شود، آخرین منجی به نام «سوشیانت» را حامله می‌شود. سوشیانت دارای چهره‌ای نورانی و از فره بهره‌مند است. اگر چه در جهان گیتی به سر می‌برد، ولی مینوی زندگی می‌کند و دل در گرو آن عالم دارد.^۳ به مانند دو منجی دیگر، خورشید در این زمان در آسمان می‌ایستد، اما مدت زمان آن سی روز هست.^۴

پس از آن که تلاش سوشیانت به ثمر رسید، نوبت به فرشو کرتی که روز رستاخیز است می‌رسد. در آن روز پیکرهای بی‌جان زنده و به فرمان ایزدی، گیتی نو می‌شود. بدی از بین می‌رود و سراسر جهان را نیکی فرا می‌گیرد. پروردگار، گناه کاران را از دوخ رهایی می‌دهد، چراکه دوزخ در دین زرتشت همیشگی نیست و همه منتظر این رویداد هستند.^۵

تمام فضل و اهمیت وی این است که همانند زرتشت و پیرو اوست. همچنین در گاهان ارتباطی بین سوشیانت و فرشگرد به چشم نمی‌خورد، ولی در متون پهلوی، قیام سوشیانت و تلاش او، به فرشگرد منتهی می‌شود. در اوستا، به زمان و علائم ظهور سوشیانت اشاره نشده است؛ اما در متون پهلوی، به هر دو پرداخته شده است. نکته آخر در این بخش این که بحث منجی در اوستا بدون هیچ ساختار و قالبی مطرح می‌گردد؛ ولی در متون پهلوی در قالب آموزه هزاره‌ها بیان می‌شود. ولی همه این مطالب که در مورد منجی در گاهان و اوستا و متون پهلوی آمده، در یک عنوان و برای دین زرتشتی به حساب می‌آید.

۱. همان، فصل ۹، بند ۱.

۲. همان، بند ۱۵-۱۹.

۳. همان، بند ۲.

۴. جاماسب نامه فارسی، ص ۸۹.

۵. بویس، تاریخ کیش زرتشت، ص ۴ و ۳۳۳.

عوامل نگرش به منجی در دین زرتشت

شکست حکومت هخامنشیان به دست اسکندر و تسلط فضای ناامیدی بر ایران و ایرانیان، باعث توجه بیشتر به اندیشه منجی و سوشیانت گردید.^۱ وقتی روحانیون زرتشت با حمله اسکندر روبرو شده‌اند، ناچار به پذیرش امر منجی شده و پایان این سیه روزی را با سوشیانت تصور کرده‌اند. از این رو، بعد از سقوط هخامنشی، آثاری به وجود آمده است که بیانگر زشتی‌ها و خوبی‌های عالم و استواری اهورامزدا بر کل عالم است. از جمله آثار پیش‌گویانه، می‌توان به محتوای کتاب‌های زند بهمن یسن و یادگار جاماسب اشاره کرد. به گفته بویس، این متن در دوران اسلامی تا حد اعلا دچار دستکاری گشته است، تا بتواند موجب تقویت کیش زرتشت شود و جنبه ملی و دین به خود گیرد. دارمستتر، معتقد است که زند بهمن یسن به شکل کنونی‌اش به قرن یازدهم و چهاردهم میلادی بر می‌گردد و به احتمال قوی‌تر، تدوین آن را سال ۱۰۹۹ تخمین زده است.^۲ بحث حمله اسکندر و سقوط هخامنشیان را از جهت این که مردم زرتشتی تحت فشار قرار گرفتند و به مانند زمان هخامنشیان نتوانستند آزادانه اعمال دینی و عبادی و آداب و رسوم خود را انتشار دهند، می‌توان اولین مورد از عوامل پیدایش تفکر و اندیشه منجی دانست که مردم آن زمان با فشار که ایجاد شده بود، منتظر آمدن فردی بودند که آن‌ها را نجات دهد.

از حوادثی که دلالت بر باور به منجی موعود در دین و جامعه زرتشتی بعدی دلالت می‌کند، تغییر گاه‌شماری توسط اردشیر بابکان است. بر اساس متون پهلوی، اولین موعود هزار سال بعد از تولد زرتشت ظهور می‌کند. اگر این سخن را با نظریه غالب در باب تولد زرتشت یعنی قرن هفتم ق.م.قرین کنیم، در می‌یابیم که امپراتوری ساسانی، دقیقاً در زمانی واقع می‌شود که کتاب‌های پهلوی از آن زمان به دوران ظلم و وجود حاکمان ستمگر یاد کرده‌اند؛ از این رو اردشیر بابکان با کوتاه کردن تاریخ مقدونیان و اشکانیان کوشید تا زمانه خود را در هزاره‌ای جای دهد که مشمول روایتی شمرده نشود که در باب حکام ستمگر در آخر الزمان است.^۳

۱. بویس و فرانتز گرنر، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه صنعتی زاده، ج ۳، ۴۸۲.

۲. راشد محصل، زند بهمن یسن، ص ۷.

۳. منتظری، فرهودی، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در آیین زرتشتی، ص ۵۴.



از موارد دیگر، ادعای منجی‌گری از طرف مانی بوده است. اگر چه زرتشتیان او را بدعت‌گذار قلمداد می‌کردند، اما نفس این ادعا را می‌توان دلیل بر آن دانست که این آموزه، در دوران ساسانیان مطرح بوده و مردم به آن اعتقاد داشتند.^۱

در سده‌های میانی می‌توان به برخی از رخ‌دادها و پیش‌آمدها اشاره کرد که باور منجی موعود در میان زرتشتیان رسوخ داشته و امید به بازگشت او را در سر می‌پرورانده‌اند. برای نمونه روحانیان زرتشتی ایران در دوره شاه عباس صفوی، برای پارسیان هند متنی ارسال کردند که به آمدن هوشیدر و پشوتن اشاره کرده است.^۲

این باور در دوران قاجاریه چنان قوت گرفت که یکی از زرتشتیان یزد کلیه اموال خود را فروخت و برای سپاهیان منجی که بنا بر گزارش‌ها با شایعاتی از سوی افغانستان می‌آمدند کُشتی^۳ تهیه کرد، تا وقتی آنان وارد ایران شدند، دارای نشان‌های همگون باشند.^۴

گواه دیگر، برپایی همه ساله مراسم هوشیدر به عنوان اولین منجی در سیستان در کناره رود هیرمند است. برگزاری این مراسم در میان آبادی‌های هم‌جوار این رود، رواج دارد. در این مراسم، دختری زیباچهره را بدون حضور مردان برهنه، داخل آب می‌کنند و تا نیمه شب به رقص و پای‌کوبی می‌پردازند. پس از آن، با همان آیین، دختر را به خانه باز می‌گردانند. این مراسم بی‌گمان حکایت از باور منجی موعود در خاطره تاریخی و دینی این مردم است.^۵

در کنار این عوامل، نامه‌ای است که بالغ بر ۳۱ دستور زرتشت از جماعت دستوران ترک‌آباد و شریف‌آباد، خراسان، سیستان، کرمان و جماعت بهمدینان خراسانی مقیم کرمان در سال ۱۵۵۹ میلادی به پارسیان هند نوشته‌اند و بیان داشته‌اند با وضع آشفته‌ای که دارند، چگونه ممکن است هزاره اهریمنی به سر رسد و هزاره اورمزدی سرآید و موعودی ظهور کند.^۶

درست بعد از گذشت چندین قرن، در سال ۱۹۲۲ از همین بهمدینان ترک‌آباد، خطاب به پارسیان نامه‌ای مبنی بر آمدن هوشیدر و پشوتن نوشته‌اند. با در نظر

۱. هدایت، زند و هومن یسن، ص ۱۶.

۲. بويس، زرتشتیان باورها و آداب دینی آنها، ص ۲۱۵.

۳. کمربندی است که هر زرتشتی در هنگام تشریف آیینی به دین به کمر می‌بندد. (هینلز، شناخت اساطیر ایران، ص ۱۸۰).

۴. دگوبینو، سه سال در آسیا، ص ۳۴۷.

۵. زنده دل و دستیاران، استان سیستان و بلوچستان، ص ۸۶.

۶. روایات داراب هرمزد، جلد ۲، ص ۴۶۰.

گرفتن فاصله زمانی این نامه، معلوم می‌شود که آموزه منجی، با حرارت و هیجان بسیاری در بین آنان مطرح بوده است.^۱ ولی به اختصار می‌توان بیان کرد که آنچه موجب استواری زرتشتیان در مقابل ناملایمات و محرومیت‌ها می‌شده است، همان انتظار پیروزی نهایی و آمدن منجی بوده است. هرچند در آخر برای آن‌ها نتیجه را در برداشته است. ولی این نتیجه نداشتن موجب تغییراتی در اندیشه‌های موبدان در سال‌های بعد از آن شد که در بخش بعدی در مورد آن مطالبی بیان می‌شود.

منجی در باور موبدان قرن بیستم

با توجه به انتظارات جامعه زرتشتی در آمدن منجی و پایان یافتن همه سختی‌ها...، و برآورده نشدن چنین انتظار، آنان برای برون‌رفت از این خلل اعتقادی می‌کوشند. زرتشتیان کنونی، دو نگرش به آموزه منجی موعود دارند:

- اولین نگاه، مربوط به برخی از موبدان پارسی، مانند مانک جی نوشیروان جی دهالا، دستور بزرگ پارسیان پاکستان است، ایشان معتقدند: همه آنچه در باب سه منجی در کتاب‌های قدیم آنان در متون اوستایی و پهلوی هست، تحقق می‌یابد.^۲
- نگرش دوم از آن برخی موبدان، همچون موبد شهزادی است، این‌ها معتقدند:

لازم نیست که شخصیت خاصی باشد، تا در زمانی خاص ظهور کند، بلکه به استاد مضامین گاهانی، سوشیانت عنوان عام به مفهوم سود رساننده است. او اندیشه اعتقاد به نجات دهندگان نهایی در دین زرتشت را ثمره نفوذ تعالیم دینی یهودیان درباره منجی آخرالزمان می‌داند و آن را در دین زرتشت بی پایه می‌خواند. وی مقصود از واژه سوشیانت در گاتها و حتی در اوستا را که به صورت جمع آمده است، رؤسای نخست دین زرتشت می‌شمرد که تنها می‌بایست در راه گسترش و پیشرفت آیین زرتشتی تلاش می‌کردند. و این نظر، نظر موبد اردشیر خورشیدیان نیز می‌باشد. که در کتاب پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان این مطلب را

۱. همان.

۲. جمعی از نویسندگان، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۵۷.

بیان داشته است.^۱ شریعتی در تایید این سخن بیان می‌کند که آنچه از بهشت و دوزخ و دیگر مسائل مربوط به قیامت در دین زرتشتی وجود دارد، از فرهنگ اسرائیلی و بین‌النهرینی به دین زرتشت منتقل شده است: اعتقاد به قیامت در اسناد اولیه‌ای که از مذهب زرتشت داریم، وجود ندارد، اما در اسناد دوره ساسانی... پیدا می‌شود و من (شریعتی) فکر کنم که مسأله قیامت و تقسیم دنیا به گیتی و مینو و بعد مسأله ترازو و دوزخ و بهشت و غیره مسائلی باشند که در مذهب زرتشت قدیم وجود داشته است، گرچه ممکن است در مذهب زرتشت وجود نداشته باشد، ولی بعدها در تماس با فرهنگ اسرائیلی، در بین‌النهرین، و فرهنگ اسلام، به تدریج پیدا شده است.^۲

موبد نیکنام، برای برون رفت از نیامدن سه منجمی که در کتاب‌های دینی زرتشتیان وعده داده شده بودند، ماجرای سوشیانت را با برداشت شخصی خود چنین بیان می‌کند:

سوشیانت یعنی سود رسان مقدس، زرتشت که در سرودهایش خود را به دلیل گسترش آیین یکتاپرستی در جهان، یک سوشیانت نیز می‌داند باور دارد که در گذر زمان انسان‌هایی هوشمندتر از دیگران که راه شناخت خداوند را پیشه می‌کنند و به دل آگاهی می‌رسند بر آن می‌شوند تا زندگی مردم را یک گام به جلو ببرند و با راهنمایی‌های خود نقش سود رسانی برای نجات بشر از خرافات و پندارهای گذشته و ارتجاعی داشته باشند و آنان را به خردورزی، سازندگی و پیشرفت فراخوانند. این اشخاص سوشیانت نام دارند و شاید افراد بی‌شماری تاکنون آمده‌اند که اثربخش بوده و یا در آینده با زاده شدن خود سبب انقلاب فکری در بشر گردند. زرتشت خود را یک سوشیانت می‌داند و نگرش انسان را به هستی همراه با خردورزی و پیروی از راستی بنیان گذاشته است.^۳ در این میان موبد سروش پور بیان می‌دارد عده‌ای بر این باورند که یکی از مصادیق سوشیانت کوروش هخامنشی است.^۴

۱ . شهزادی، مجموعه سخنرانی‌های موبد موبدان، ص ۱۶۷ و خورشیدیان، اردشیر، پاسخ به پرسشهای دینی زرتشتیان، انتشار فروهر، ۱۳۸۷، صفحه ۱۳۰.

۲ . تاریخ و شناخت ادیان، نوشته دکتر علی شریعتی، ج ۲، ص ۲۴۹.

۳ . سایت موبد کوروش نیکنام، بخش پاسخ به پرسشها.

۴ . موبد پدram سروش پور سخنرانی دانشگاه علوم پزشکی کاشان ۱۳۸۷/۸/۲۷.

پس موبدان زرتشتی که در ایران ساکن‌اند، دیگر اعتقادی به متون دینی خود در این زمینه ندارند و موعود و منجی را تنها منحصر در سه منجی نمی‌دانند. آنچه امروزه موبدان زرتشتی قائل هستند تأویلات و برداشت‌های شخصی آن‌ها در مورد منجی در دین زرتشتی است و این تفکر را در سخنرانی‌ها و کتاب‌های خود بیان می‌کنند؛ حتی این برخورد موبدان ایران نسبت به شخصی‌اندیشی درباره منجی و سوشیانت، از سخن هم فراتر رفته است. موبدان ایران، واژه‌های اوشیدر و اوشیدرماه و سوشیانت را که در متن نیایش تندرستی قرار دارد و بخشی از متن خرده اوستا است در جلسه^۱ مورخ دهم شهریور سال ۱۳۶۱ خورشیدی بررسی کردند و در نهایت، بر حذف این اسامی گرفتند و در متن خرده اوستا، بخش نیایش تندرستی دیگر این سه کلمه وجود ندارد.^۲

نتیجه

نتیجه‌ای که در این بخش می‌توان گرفت این‌که: با نگرش و رویکردی دین‌شناختی به این مسئله، دیدگاه موبدان هندوستان و پاکستان صدق بیشتری می‌یابد؛ از جمله می‌توان به روایات داراب هرمزدیار^۳ و کتاب شایست و ناشایست^۴ اشاره کرد. دیدگاه اول که از سوی پارسیان هند و پاکستان عنوان می‌گردد، دلیل بر اصالت این باور در میان زرتشتیان است. این‌ها بیانگر اعتقادهایی است که به صورت سینه به سینه از زمان بسیار دور منتقل گردیده و این طور نیست که یک سره فاقد اصالت باشد، با وجود این‌که آموزه سوشیانت به مثابه منجی موعود خاص در متون اوستای جدید نیز وجود دارد.^۵ آنچه موبدان ایران درباره بحث منجی عقب نشینی کرده‌اند، نشانه ضعف و سست بودن آن چیزهایی است که در زمانی از باورها و موارد اعتقادی جامعه زرتشتی بوده است و حتی به جامعه زرتشتیان هندوستان انتقال داده شده، و امروزه براحتی توسط موبدان زرتشتی ایران، از ذهن جامعه زرتشتی و حتی از متون‌ها حذف می‌شود.

۱. <http://fa.berasad.com/content/view/11956/> . خبر شماره ۱۱۹۵۶، مورخ ۳۰ آذر سال ۱۳۹۲.

۲. برای مطالعه بیشتر به لینک مراجعه نمایید: www.adyannet.com/fa/news/17041.

۳. روایات داراب هرمزد، ج ۲، ص ۴۶۰.

۴. مزدا پور، ترجمه شایست و ناشایست، فصل ۱۳، بند ۵.

۵. تفضلی، آخر زمان در دین زرتشتی، در دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۱۴۵.

منابع

۱. اوشیدری، جهانگیر، دانشنامه مزدیسنا، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱
۲. آموزگار، ژاله و احمد تفضلی، اسطوره زندگی زرتشت، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۵
۳. آموزگار، ژاله، احمد تفضلی، کتاب پنجم دینکرد، تهران، نشر معین، ۱۳۸۶
۴. آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیر ایران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۴
۵. بویس، مری، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، نشر توس، ۱۳۷۴
۶. بویس، مری، چکیده تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، نشر صفی علیشاه، ۱۳۷۷
۷. بویس، مری، زرتشتیان باورها و آداب دینی آن‌ها، ترجمه عسکر بهرامی، نشر ققنوس، ۱۳۸۱
۸. بویس، مری، و فراتر گزرن، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، نشر توس، ۱۳۷۵
۹. بهار، مهرداد، (مترجم)، بندهشن، تهران، نشر توس، ۱۳۸۰
۱۰. بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، نشر آگاه، ۱۳۷۵
۱۱. پورداوود، ابراهیم، سوشینت موعود مزدیسنا، نشر فروهر، ۱۹۲۷
۱۲. پورداوود، ابراهیم، ویسپرد، نشر اساطیر، ۱۳۸۱
۱۳. پورداوود، ابراهیم، یشت‌ها، تهران، نشر اساطیر، ۱۳۷۷
۱۴. تفضلی، احمد، آخر زمان در دین زرتشت، در دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴
۱۵. تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، نشر سخن، ۱۳۷۸
۱۶. جاماسب، حکیم، کتاب جاماسب، ترجمه جیوانجی جمشیدجی، ۱۹۰۳
۱۷. جمعی از نویسندگان، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، چاپ دوم، نشر دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۳
۱۸. دگوبینو، کنت، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر قطره، ۱۳۸۳
۱۹. دوستخواه، جلیل، اوستا، نشر مروارید، ۱۳۷۰
۲۰. راشد محصل، محمد تقی، (مترجم) زند بهمن یسن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵
۲۱. راشد محصل، محمد تقی، (مترجم) سروش یسن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲
۲۲. راشد محصل، محمد تقی، (مترجم) گزیده‌های زادسپرم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۶
۲۳. راشد محصل، محمد تقی، نجات بخشی در ادیان، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹
۲۴. رضایی باغ بیدی، حسن، سوشیان در اوستا، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۴۶، زمستان ۷۷
۲۵. زنده دل، حسین و دستیاران، استان سیستان و بلوچستان، نشر ایرانگردان، ۱۳۷۹
۲۶. سایت پایگاه جامع فرق و ادیان، www.adyannet.com
۲۷. سایت موبد پدram سروش پور

۲۸. سایت موبد کوروش نیکنام
۲۹. مجموعه سخنرانی‌های موبد موبدان رستم شهزادی، کوشش مهرانگیز شهزادی، سازمان چاپ خواجه، ۱۳۸۰
۳۰. مزدا پور، کتابون، (مترجم)، شایست و ناشایست، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.
۳۱. هدایت، صادق، زند و هومن یسن، نشر جاویدان، ۱۳۵۷.

